



دانشگاه علوم بیزیستی و توانبخشی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

گروه آموزشی روانشناسی بالینی

عنوان

اثر بخشی بازآموزی توجه بر کاهش سوگیری توجه نسبت به طرد در افراد  
اجتماع مدار با خلق افسرده

نگارنده

محبوبه حقیقی

استاد راهنما

دکتر عباس پورشهباز

استاد مشاور

دکتر بهروز دولتشاهی

فروردین ۱۳۹۰

شماره ثبت: ۲۰۰-۲۲۲

**به نام آن که جان را فکرت  
آموخت**

**تقدیم به**

**نخستین الگوی هستی**

**مادرم**

**و**

**وجود سرشار از زیبایی عشق**

**پدرم**

از زحمات استاد ارجمند جناب آقای دکتر عباس پورشهباز که در طول این پژوهش با با دقت نظر و نکته سنجی های خود هیچ مساعدت و کوششی را در حق من دریغ نمودند، کمال تشکر را دارم. از جناب آقای دکتر بهروز دولتشاهی که با شکیبایی و راهنمایی های خود در به بار نشستن این مجموعه مرا یاری کردند نیز سپاسگزارم. همچنین از سرکار خانم دکتر پروانه محمدخانی که در طول دوران تحصیل راهنمایی های ایشان روشنگر راهم بود و با دقت و حمایت های بی دریغ خود مرا یاری نمودند، صمیمانه تشکر می کنم.

از جناب آقای مهندس محمدحسن کفایتی که ساخت آزمون این پژوهش با مساعدت ایشان صورت گرفت و سرکار خانم مریم حقیقی که در ترجمه پرسشنامه ها مرا یاری کردند، سپاسگزارم. همچنین، از دوست عزیزم خانم سروش طیبی نیا که در امر گردآوری داده ها کمک بسیاری به من کرد صمیمانه تشکر می کنم.

در نهایت، از کلیه دانشجویانی که به عنوان آزمودنی وقت خود را در اختیار این پژوهش قرار دادند قدردانی می نمایم.

## چکیده

**هدف:** این پژوهش به منظور بررسی اثربخشی تکلیف بازآموزی توجه بر کاهش سوگیری توجه و شدت علایم افسردگی در دانشجویان اجتماع مدار با خلق افسرده صورت گرفته است.

**روش:** این پژوهش در دو فاز اجرا شد. در فاز اول ۱۱۰ آزمودنی به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند و براساس نمره خود در پرسشنامه افسردگی بک ویرایش دوم، پرسشنامه سبک شخصی ویرایش دوم، پرسشنامه حساسیت به طرد و آزمون دات پروب مورد ارزیابی قرار گرفتند. در فاز دوم ۳۲ آزمودنی که سبک شخصیتی اجتماع مدار و خلق افسرده داشتند به طور تصادفی در دو گروه آزمایشی و کنترل جای گرفتند. در گروه آزمایشی چهار جلسه بازآموزی توجه اجرا شد. و هر دو گروه یک بار قبل از اجرای مداخله و یک بار پس از آن از نظر سوگیری توجه و شدت علایم افسردگی مورد ارزیابی قرار گرفتند.

**یافته ها:** یافته های این پژوهش حاکی از آن بود که افراد اجتماع مدار حساسیت به طرد بیشتری در مقایسه با افراد استقلال مدار و نامتمایز دارند اما تفاوت این سه گروه از لحاظ سوگیری توجه نسبت به محرک های طردکننده، معنادار نبود. همچنین، پس از اجرای روش بازآموزی توجه، سوگیری توجه نسبت به طرد در گروه آزمایشی به طور معنادار کاهش یافت، در حالی که این روش در کاهش شدت علایم افسردگی آزمودنی ها اثربخش نبود.

**نتیجه گیری:** یافته های این پژوهش کارایی نظریه سبک های شخصیتی بک را در تبیین ایجاد و تداوم دوره های افسردگی پیشنهاد می کند. همچنین، با توجه به یافته های پژوهش به نظر می رسد توجه انتخابی نسبت به محرک های منفی نقش مهمی در بروز و تداوم نشانه های افسردگی دارد اما هنوز به طور قطع نمی توان گفت که سوگیری توجه نقشی علی در تداوم این اختلال ایفا می کند.

**کلید واژه:** بازآموزی توجه، سوگیری توجه، افسردگی، اجتماع مداری، حساسیت به طرد

## فهرست مطالب

### فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱. مقدمه	۲
۲-۱. بیان مسأله	۴
۳-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش	۸
۴-۱. اهداف پژوهش	۱۲
۱-۴-۱. هدف کلی	۱۲
۲-۴-۱. اهداف اختصاصی	۱۳
۵-۱. فرضیه های پژوهش	۱۳
۶-۱. تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها	۱۴

### فصل دوم: پیشینه پژوهش

۱-۲. توصیف افسردگی	۱۹
۱-۱-۲. مفهوم افسردگی	۱۹
۲-۱-۲. شیوع و سیر افسردگی	۲۰
۲-۲. مدل های شناختی افسردگی	۲۱
۱-۲-۲. نظریه های متمرکز بر تولیدات شناختی	۲۳
۱-۱-۲-۲. نظریه عقلانی-هیجانی	۲۴
۲-۱-۲-۲. نظریه درماندگی آموخته شده	۲۵
۳-۱-۲-۲. نظریه ناامیدی	۲۶
۲-۲-۲. نظریه های متمرکز بر عملیات شناختی	۲۷
۳-۲-۲. نظریه های متمرکز بر ساختارها و گزاره های شناختی	۳۱
۱-۳-۲-۲. نظریه شناختی بک	۳۱
۲-۳-۲-۲. اجتماع مداری و استقلال مداری	۳۵
۳-۳-۲-۲. نظریه شبکه تداعی	۴۶
۴-۳-۲-۲. نظریه زیرسیستم های شناختی متعامل	۴۷
۳-۲. سوگیری در پردازش اطلاعات هیجانی در افسردگی	۴۹
۱-۳-۲. حافظه	۴۹
۲-۳-۲. توجه	۵۴

### فصل سوم: روش شناسی پژوهش

۱-۳. نوع مطالعه	۶۷
۲-۳. جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری	۶۷

۶۸.....	۳-۳. ابزارهای پژوهش
۶۸.....	۳-۳-۱. پرسشنامه افسردگی بک ویرایش دوم (BDI-II)
۶۹.....	۳-۳-۲. پرسشنامه حساسیت به طرد (RSQ)
۷۲.....	۳-۳-۳. پرسشنامه سبک شخصی ویرایش دوم (PSI-II)
۷۳.....	۳-۳-۴. آزمون دات پروب با استفاده از حالات هیجانی چهره
۷۷.....	۳-۳-۵. تکلیف بازآموزی توجه
۷۸.....	۳-۴. روش و محل اجرای پژوهش
۸۰.....	۳-۵. روش تجزیه و تحلیل داده ها
۸۰.....	۳-۶. ملاحظات اخلاقی

### فصل چهارم: توصیف و تحلیل داده ها

۸۴.....	۴-۱. مشخصات کلی و ویژگی های جمعیت شناختی گروه ها
۹۰.....	۴-۲. توصیف وضعیت گروه های آزمایشی و کنترل در پیش آزمون
۹۱.....	۴-۳. یافته های اصلی پژوهش
۹۷.....	۴-۴. یافته های اضافی

### فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۱۰۵.....	۵-۱. بحث و نتیجه گیری
۱۱۳.....	۵-۲. دلالت درمانی
۱۱۴.....	۵-۳. محدودیت های پژوهش
۱۱۵.....	۵-۴. پیشنهادات
۱۱۶.....	فهرست منابع
۱۲۶.....	پیوست ها

## فهرست جداول

- جدول ۱-۲. خلاصه پژوهش‌هایی که در آنها به اصلاح سوگیری توجه پرداخته شده است ..... ۶۳
- جدول ۱-۴. فراوانی و درصد متغیرهای جمعیت شناختی در گروه‌های افسرده و غیر افسرده ..... ۸۴
- جدول ۲-۴. آزمون‌های دو برای بررسی جنسیت، تحصیلات، وضعیت تأهل و سبک شخصیتی در دو گروه افسرده و غیر افسرده ..... ۸۵
- جدول ۳-۴. فراوانی و درصد متغیرهای جمعیت شناختی در هر یک از سبک‌های شخصیتی ..... ۸۶
- جدول ۴-۴. توزیع فراوانی سبک‌های شخصیتی از لحاظ شدت افسردگی ..... ۸۶
- جدول ۵-۴. مقایسه سبک‌های شخصیتی از نظر نمره افسردگی در گروه افسرده ..... ۸۷
- جدول ۶-۴. نتایج آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه تفاوت میانگین نمرات افسردگی سبک‌های شخصیتی در گروه افسرده ..... ۸۷
- جدول ۷-۴. مقایسه سبک‌های شخصیتی از نظر نمره افسردگی در گروه غیر افسرده ..... ۸۸
- جدول ۸-۴. فراوانی و درصد متغیرهای جمعیت شناختی در گروه‌های آزمایشی و کنترل ..... ۸۹
- جدول ۹-۴. آزمون‌های دو برای بررسی جنسیت، تحصیلات، وضعیت تأهل و شدت افسردگی در دو گروه آزمایشی و کنترل ..... ۸۹
- جدول ۱۰-۴. مقایسه میانگین‌های دو گروه آزمایشی و کنترل در پیش‌آزمون ..... ۹۰
- جدول ۱۱-۴. میانگین و انحراف استاندارد نمره حساسیت به طرد در هر یک از سبک‌های شخصیتی ..... ۹۱
- جدول ۱۲-۴. مقایسه سبک‌های شخصیتی از نظر نمره حساسیت به طرد در گروه افسرده ..... ۹۲
- جدول ۱۳-۴. نتایج آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه تفاوت میانگین نمرات حساسیت به طرد سبک‌های شخصیتی در گروه افسرده ..... ۹۲
- جدول ۱۴-۴. مقایسه سبک‌های شخصیتی از نظر نمره حساسیت به طرد در گروه غیر افسرده ..... ۹۳
- جدول ۱۵-۴. نتایج آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه تفاوت میانگین نمرات حساسیت به طرد سبک‌های شخصیتی در گروه غیر افسرده ..... ۹۳
- جدول ۱۶-۴. میانگین و انحراف استاندارد نمره سوگیری توجه نسبت به طرد در هر یک از سبک‌های شخصیتی ..... ۹۴
- جدول ۱۷-۴. مقایسه سبک‌های شخصیتی از نظر نمره سوگیری توجه نسبت به طرد در گروه افسرده ..... ۹۴
- جدول ۱۸-۴. مقایسه سبک‌های شخصیتی از نظر نمره سوگیری توجه نسبت به طرد در گروه غیر افسرده ..... ۹۵
- جدول ۱۹-۴. مقایسه میانگین افتراقی گروه آزمایشی و کنترل در سوگیری توجه نسبت به طرد ..... ۹۶
- جدول ۲۰-۴. مقایسه میانگین افتراقی گروه آزمایشی و کنترل در نمره افسردگی ..... ۹۶
- جدول ۲۱-۴. مقایسه میانگین‌های دو گروه افسرده و غیر افسرده در حافظه بازشناسی ..... ۹۷
- جدول ۲۲-۴. مقایسه میانگین‌های دو گروه افسرده و غیر افسرده در سوگیری توجه نسبت به طرد و پذیرش ..... ۹۸
- جدول ۲۳-۴. مقایسه شدت‌های مختلف افسردگی از نظر سوگیری توجه نسبت به طرد ..... ۹۹
- جدول ۲۴-۴. نتایج آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه تفاوت میانگین نمرات سوگیری توجه نسبت به طرد در شدت



- های مختلف افسردگی ..... ۹۹
- جدول ۴-۲۵. مقایسه شدت های مختلف افسردگی از نظر سوگیری توجه نسبت به پذیرش ..... ۱۰۰
- جدول ۴-۲۶. نتایج آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه تفاوت میانگین نمرات سوگیری توجه نسبت به پذیرش در شدت های مختلف افسردگی ..... ۱۰۰

## فهرست شکل ها

- شکل ۱-۲. مدل شناختی افسردگی ..... ۳۴

فصل اول

کلیات پژوهش

## ۱-۱. مقدمه

افسردگی یکی از اختلالات شایع روانشناختی است که علایم عمده آن عبارتست از غمگینی، فقدان لذت، ناامیدی، تغییر در الگوی خواب و خوردن، احساس بی ارزشی و تفکرات مربوط به خودکشی. با این وجود، افسردگی یک پدیده واحد نیست. دوره های افسردگی مختلف غالباً الگوی علایم متفاوتی دارند (اوکوندو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۴)، به علاوه عوامل زمینه ساز افسردگی نیز بسیار متنوع اند و مسایلی از قبیل مرگ یک فرد عزیز، شکست در دستیابی به اهداف، استرس مزمن و ... را در بر می گیرند (کندلر<sup>۲</sup>، گاردنر<sup>۳</sup> و پریسکات<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲). بنابراین، یکی از چالش های اساسی در پژوهش های مربوط به افسردگی تقسیم بندی کردن این اختلال بر مبنای الگوی علایم، عوامل زمینه ساز و یا هر دو است (کلر<sup>۵</sup> و نس<sup>۶</sup>، ۲۰۰۶).

یکی از مهمترین نظریه های موجود در این زمینه که به نوعی در زمره مدل های آمادگی-استرس<sup>۷</sup> قرار می گیرد، نظریه شناختی بک<sup>۸</sup> (۱۹۸۳) است. بک در آخرین اصلاح خود بر نظریه های شناختی افسردگی، دو سبک شخصیتی استقلال مداری<sup>۹</sup> و اجتماع مداری<sup>۱۰</sup> را به عنوان عوامل زمینه ساز افسردگی مطرح کرد. استقلال مداری (یا فردمداری) به تأکید شخص برای حفظ و افزایش حس استقلال، فردیت، موفقیت و تسلط اشاره دارد. افراد استقلال مدار بر این باورند که ارزش شخصی آنها بستگی به استقلال و دستیابی به اهداف دارد و موقعیت هایی چون شکست، محدود شدن استقلال و ناکامی در رسیدن به اهداف برای آنها تهدیدکننده است. از سوی دیگر، اجتماع مداری (یا وابستگی اجتماعی) به

---

1 - Oquendo

2 - Kendler

3 - Gardner

4 - prescott

5 - Keller

6 - Nesse

7 - stress-diathesis

8 - Beck

9 - sociotropy

10 - autonomy

مجموعه ای از باورها، نگرش ها و اهداف در فرد اشاره دارد مبنی بر اهمیت برقراری روابط مثبت با دیگران. این افراد به ایجاد و حفظ روابط بین فردی به صورت افراطی اهمیت می دهند. افراد اجتماع مدار معتقدند اهدافی که ماهیت اجتماعی دارند مثل صمیمیت، پذیرفته شدن، درک شدن، حمایت و راهنمایی از سوی دیگران برای ایجاد احساس ارزشمندی در آنها ضروری است. این افراد همچنین از طرد شدن، عدم تأیید، نادیده گرفته شدن و سایر موقعیت های بین فردی ناخوشایند واهمه دارند زیرا چنین موقعیت هایی خودپنداره آنها را تهدید می کند (بک، ۱۹۸۳؛ کلارک<sup>۱</sup>، بک و براون<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲).

بر اساس مدل بک، علایم افسردگی در فرد به دنبال آن دسته از رویدادهای استرس زا و ناخوشایند در زندگی ایجاد می شوند که با سبک شخصیتی او همخوانی داشته باشند. طبق این فرضیه، وقوع یک عامل استرس زای منفی لزوماً منجر به بروز افسردگی نمی شود بلکه ادراک و ارزیابی فرد از این عامل استرس زا بر مبنای سبک شخصیتی اوست که در شکل گیری اختلال نقش تعیین کننده دارد. بر این اساس، افراد استقلال مدار نسبت به رویدادهای مرتبط با موفقیت فردی (مثل شکست) حساس ترند، درحالیکه افراد اجتماع مدار در مواجهه با رویدادهای بین فردی منفی (مثل طرد شدن) علایم افسردگی را بروز می دهند (دوزویس<sup>۳</sup> و بکس-درمات<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰).

بر مبنای نظریه های شناختی می توان گفت فعال شدن طرحواره<sup>۵</sup> های معین و فرایندهای پردازشی متناسب با آنها در هر یک از این سبک های شخصیتی منجر به ایجاد علایم افسردگی متفاوت در آنها می گردد (دوزویس و بکس-درمات، ۲۰۰۰). قابلیت دسترسی بیشتر به این طرحواره ها باعث می شود به راحتی فعال گشته و در نتیجه میزان اختصاص دادن توجه به اطلاعات منطبق با طرحواره و حافظه مربوط به این اطلاعات در فرد افزایش یابد. وجود سوگیری توجه<sup>۶</sup> به محرک های خاص باعث می شود این افراد به جای آنکه جنبه های بالقوه تهدید آمیز از موقعیت را نادیده بگیرند، آنها را فعالانه انتخاب

<sup>1</sup> - Clark

<sup>2</sup> - Brown

<sup>3</sup> - Dozois

<sup>4</sup> - Backs-Dermott

<sup>5</sup> - schema

<sup>6</sup> - attentional bias

کرده و برای پردازش اطلاعات بر آنها تمرکز نمایند (کامپتون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳؛ کاستر<sup>۲</sup>، کرومبیز<sup>۳</sup>، ورچر<sup>۴</sup> و دی هاور<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴). از آنجاییکه به لحاظ منطقی، توجه اولیه به یک محرک نخستین گام در فرایند ادراک یک موقعیت یا رویداد است (گراس<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲) می توان تمرکز بیشتر بر محرک های منفی و انتخاب فعالانه آنها در محیط را به عنوان یکی از عوامل مؤثر در تداوم و شدت گرفتن علایم افسردگی در این افراد در نظر گرفت.

از سوی دیگر، برخی پژوهش ها نشان داده اند که اصلاح سوگیری توجه به صورت تجربی امکان پذیر است (دندنا<sup>۷</sup>، بالدوین<sup>۸</sup>، باکوس<sup>۹</sup>، ساکلاروپولو<sup>۱۰</sup> و پروسنر<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۷). بنابراین می توان انتظار داشت داشت با به کارگیری روش هایی که منجر به تغییر توجه فرد نسبت به یک محرک خاص می شوند، ادراک او از موقعیت و در نتیجه نحوه واکنش او نیز تغییر یابد.

## ۱-۲. بیان مسأله

شیوع بالا و تأثیرات متنوعی که افسردگی بر زندگی افراد دارد تلاش برای فهم سبب شناسی این اختلال را به عنوان یکی از اولویت های پژوهشگران و نظریه پردازان درآورده است. در حال حاضر حجم انبوهی از پژوهش ها بر نقش رویدادهای استرس زای منفی به عنوان یکی از عوامل پیش بینی کننده افسردگی تأکید می کنند و در عین حال بر این امر دلالت دارند که آسیب پذیری تمام افراد نسبت به

---

<sup>1</sup> - Compton

<sup>2</sup> - Koster

<sup>3</sup> - Crombez

<sup>4</sup> - Verschuere

<sup>5</sup> - De Houwer

<sup>6</sup> - Gross

<sup>7</sup> - Dandeneau

<sup>8</sup> - Baldwin

<sup>9</sup> - Baccus

<sup>10</sup> - Sakellaropoulo

<sup>11</sup> - Pruessner

این رویدادها یکسان نیست (کانر-اسمیت<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۰). اگرچه مطالعات زیادی در مورد نحوه پاسخ دهی به عوامل استرس زا وجود دارد اما پیشرفت های مربوط به درک تفاوت های فردی در این زمینه بسیار کند بوده است. از جمله تلاش هایی که در این راستا صورت گرفته است بررسی آن دسته از صفات شخصیتی است که آسیب پذیری افراد نسبت به اختلالات روانشناختی در مواجهه با عوامل استرس زا را افزایش می دهند (کلارک و همکاران، ۱۹۹۴).

یکی از صفات شخصیتی که طی دو دهه اخیر مطرح شده است و با افسردگی ارتباط دارد، اجتماع مداری است (بک، ۱۹۸۳). اجتماع مداری به نگرانی بیش از حد افراد در مورد قضاوت و ارزیابی دیگران و وابستگی به تأیید شدن از سوی آنها اطلاق می شود. طبق نظریه بک افراد اجتماع مدار که به صورت افراطی به حفظ روابط و اجتناب از طرد شدن اهمیت می دهند، پس از مواجهه با رویدادهای بین فردی منفی، بسیار مستعد بروز افسردگی هستند. بنابراین، این افراد در مقایسه با افراد غیر اجتماع مدار پس از رویارویی با عوامل استرس زایی که با سبک شخصیتی آنها همخوانی دارند از جمله تجربه فقدان<sup>۲</sup> یا طرد در روابط بین فردی، آشفتگی هیجانی بیشتری تجربه می کنند (بک، اپشتاین<sup>۳</sup>، هریسون<sup>۴</sup> و امری<sup>۵</sup>، ۱۹۸۳).

پژوهش های بسیاری از فرضیه هماهنگی در افراد اجتماع مدار حمایت کرده اند و نشان داده اند عوامل استرس زای بین فردی (از جمله طرد) منجر به بروز افسردگی در این افراد می شوند (برای مثال، آلن<sup>۶</sup>، هورن<sup>۷</sup> و تریندر<sup>۸</sup>، ۱۹۹۶؛ بارتلستون<sup>۹</sup> و ترول<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۵؛ کلارک و همکاران، ۱۹۹۲). از طرف دیگر، شواهد حاصل از برخی مطالعات نشان داده اند که افسردگی با سوگیری در پردازش محرک

---

<sup>1</sup> - Connor-Smith

<sup>2</sup> - loss

<sup>3</sup> - Epstein

<sup>4</sup> - Harrison

<sup>5</sup> - Emery

<sup>6</sup> - Allen

<sup>7</sup> - Horn

<sup>8</sup> - Trinder

<sup>9</sup> - Bartelstone

<sup>10</sup> - Trull

های هیجانی در ارتباط است (گاتلیب<sup>۱</sup>، کراسنوپرووا<sup>۲</sup>، یو<sup>۳</sup> و جورمن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴). بنابراین، در پژوهش حاضر حاضر اعتقاد براینست که در افراد افسرده اجتماع مدار مکانیزم های پردازش اطلاعات معینی وجود دارد که باعث می شود این افراد به طور انتخابی و به طریقی که متناسب با صفات شخصیتی آنهاست به رویدادها توجه کرده و آنها را بازنمایی و بازسازی نمایند. به طور اختصاصی تر، می توان گفت این افراد به نشانه های طرد و عدم تأیید در روابط بین فردی توجه بیشتری دارند.

به منظور تبیین این پدیده می توان نحوه واکنش به طرد در این افراد را به صورت نوعی گرایش ثابت به پردازش شناختی-عاطفی در نظر گرفت که به روابط اجتماعی آنها لطمه زده (داونی<sup>۵</sup>، فریتاس<sup>۶</sup>، میکایلیس<sup>۷</sup> و خوری<sup>۸</sup>، ۱۹۹۸) و آنها را در معرض اعتماد به نفس پایین، اضطراب اجتماعی و افسردگی بیشتر قرار می دهد (آیدوک<sup>۹</sup>، داونی و کیم<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۱؛ گالیوت<sup>۱۱</sup> و بامیستر<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۷). در چنین فردی طرحواره طرد بیش از سایر طرحواره ها قابل دسترسی است و این امر میزان اختصاص دادن توجه و دقت شناختی آنها را در مورد محرک های طرد کننده افزایش می دهد. بدین ترتیب در موقعیت های بین فردی احساس طرد در آنها به سرعت برانگیخته می شود. توجه انتخابی به ارزیابی اجتماعی به صورت یک فیلتر اولیه در پردازش اطلاعات عمل می کند که نوعی درک مقدماتی از محیط فراهم می آورد و باعث می شود این افراد محیط را بسیار خصومت آمیز و غیر حمایت کننده ادراک نمایند. این امر خود منجر به کاهش اعتماد به نفس و شدت گرفتن علائم افسردگی در آنها می گردد (ویلیامز<sup>۱۳</sup>، متیوز<sup>۱۴</sup>

---

1 - Gotlib  
2 - Krasnoperova  
3 - Yue  
4 - Joormann  
5 - Downey  
6 - Freitas  
7 - Michaelis  
8 - Khouri  
9 - Ayduk  
10 - Kim  
11 - Gailliot  
12 - Baumeister  
13 - Williams  
14 - Mathews

و مک لئود<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶؛ دندنا و بالدوین، ۲۰۰۴). از اینرو اصلاح این مرحله می تواند به فرد کمک کند محیط را به شیوه متفاوتی ادراک کرده و به آن واکنش نشان دهد.

اگرچه حجم انبوهی از یافته ها بر وجود ارتباط میان سوگیری توجه نسبت به محرک های منفی و افسردگی دلالت دارند اما هنوز این سؤال بدون پاسخ مانده است که آیا توجه انتخابی به محرک های منفی صرفاً پدیده ای است که در اثر افسردگی ایجاد می شود یا اینکه نقشی علی در تداوم این اختلال ایفا می کند. به منظور بررسی نقش علی توجه انتخابی در بروز و تداوم افسردگی از روش های اصلاح سوگیری شناختی<sup>۲</sup> (CBM) استفاده می شود (مک لئود، راترفورد<sup>۳</sup>، کمپل<sup>۴</sup>، ابسورتی<sup>۵</sup> و هاگر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲). در این روش ها آزمودنی می آموزد توجه خود را به محرک خاصی معطوف داشته یا از آن منحرف نماید. یافته های حاصل از تحقیقات اخیر نشان داده است که سوگیری توجه نسبت به طرد را می توان با استفاده از چنین روش هایی به صورت تجربی تغییر داد (برای مثال، دندنا و بالدوین، ۲۰۰۴؛ دندنا و همکاران، ۲۰۰۷). با این وجود یافته های موجود در زمینه افسردگی تا حدی متناقض است. در حالیکه نتایج برخی مطالعات حاکی از تأثیرگذاری این شیوه بر کاهش علایم افسردگی می باشد (ولز<sup>۷</sup> و بیورز<sup>۸</sup>، ۲۰۱۰)، طبق برخی شواهد، اثربخشی چنین روش هایی بر اساس شدت افسردگی متفاوت است و حتی در بعضی موارد می تواند علایم افسردگی را تشدید نماید (بائرت<sup>۹</sup>، دی رانت<sup>۱۰</sup>، اسکاچت<sup>۱۱</sup> و کاستر، ۲۰۱۰).

با توجه به آنچه گفته شد، در پژوهش حاضر به بررسی این موضوع پرداخته می شود که در وهله نخست آیا افراد افسرده استقلال مدار و اجتماع مدار از نظر میزان حساسیت به طرد و سوگیری توجه

---

1 - MacLeod

2 - cognitive bias modification

3 - Rutherford

4 - Campbell

5 - Ebsworthy

6 - Holker

7 - Wells

8 - Beevers

9 - Baert

10 - De Raedt

11 - Schacht



نسبت به محرک های طرد کننده با یکدیگر تفاوت دارند یا خیر. به علاوه، به دلیل وجود یافته های متناقض در مورد اثرات دستکاری سوگیری توجه در افسردگی، هدف دیگر مطالعه حاضر عبارتست از بررسی این موضوع که استفاده از روش هایی که به منظور اصلاح سوگیری توجه به کار می روند تا چه حد در کاهش سوگیری توجه افراد افسرده اجتماع مدار مؤثر است. در آخر به این نکته پرداخته می شود که آموزش بازداری توجه نسبت به محرک های طردکننده در افراد افسرده اجتماع مدار چه پیامدهایی به دنبال خواهد داشت. به عبارت دیگر، آیا به کارگیری این روش می تواند علائم افسردگی را در چنین افرادی کاهش دهد یا خیر.

### ۳-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

افسردگی هنوز یکی از موضوعات بحث برانگیز در حوزه بهداشت روانی است و همچنان مسایل حل نشده بسیاری در این زمینه وجود دارد که باید مورد بررسی قرار گیرند. درجاتی از افسردگی به عنوان یک حالت خلقی بهنجار، تجربه ای متداول است (کاوپانی و همکاران، ۱۳۷۸). در پژوهشی در زمینه سلامت روانی دانشجویان دانشگاه تهران مشخص شد که ۳۰ درصد از پذیرفته شدگان این دانشگاه درجاتی از احساس غمگینی و افسردگی دارند (باقری یزدی و همکاران، ۱۳۷۴). علاوه بر آن، اختلال افسردگی نیز جزء شایع ترین اختلالات روانپزشکی محسوب می شود. در جریان این اختلال، کارکردهای مختلف بیماران به خصوص کارکردهای اجتماعی آنها دچار اختلال و ناتوانی سنگینی می شود (بلیزر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). در داخل کشور نیز شایع ترین عامل از کارافتادگی شغلی، بیماری افسردگی است (نوری، ۱۳۸۴). براساس نتایج یک مطالعه در داخل کشور، دانشجویان دامنه وسیعی از علائم افسردگی را نشان می دهند و حدود ۷۸ درصد از آنها از برخی نشانه های افسردگی در رنج اند (کاوپانی و همکاران،

---

<sup>۱</sup> - Blazer

۱۳۷۸). بنابراین، مد نظر قرار دادن این اختلال و پژوهش در مورد علل زمینه ساز، ویژگی ها و عوامل مؤثر در درمان آن ضروری به نظر می رسد.

با این وجود، تابلوی بالینی افسردگی همواره به یک شکل نیست. موقعیت های مختلف الگوهای متفاوتی از نشانه های افسردگی را فرامی خوانند (کلر و نس، ۲۰۰۶). ازاینرو، عوامل زمینه ساز و تداوم بخش این اختلال را باید با توجه به ویژگی های اختصاصی هریک از انواع آن مورد بررسی قرار داد. تاکنون پژوهش های بسیاری به بررسی نظریه بک مبنی بر وجود سبک های شخصیتی اجتماع مداری و استقلال مداری و نقش آنها در بروز افسردگی پرداخته اند (ساتو<sup>۱</sup> و مک کان<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷؛ زورف<sup>۳</sup>، مانگرین<sup>۴</sup> و سنتور<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴؛ بک، تیلور<sup>۶</sup> و رابینز<sup>۷</sup>، ۲۰۰۳؛ شیه<sup>۸</sup>، ۲۰۰۶؛ داچ<sup>۹</sup>، کوهن، سهل<sup>۱۰</sup> و گانترت<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۸). طبق این بررسی ها شواهد اندکی در تأیید سازه استقلال مداری به دست آمده است اما نتایج حاکی از حساسیت بالای افراد اجتماع مدار نسبت به جدایی، طرد و از دست دادن دیگران می باشند (ساتو و گونزالز<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۹؛ شاهار<sup>۱۳</sup>، سافر<sup>۱۴</sup> و گیلبو-شتمن<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۸؛ راگاوان<sup>۱۶</sup> و برنهام<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۲؛ کوان<sup>۱۸</sup>، کمپل و ویلیامز، ۲۰۰۱). با وجودآنکه پژوهش های گذشته نشان داده اند که وابستگی اجتماعی و عوامل استرس زای بین فردی ارتباط معناداری با بروز اختلال افسردگی در این افراد دارند اما هنوز این مسأله مشخص نیست که چه نوع مکانیزم های پردازش اطلاعات در این زمینه نقش اصلی را ایفا می کنند

- 
- 1 - Sato
  - 2 - McCann
  - 3 - Zuroff
  - 4 - Mongrain
  - 5 - Santor
  - 6 - Taylor
  - 7 - Robbins
  - 8 - Shih
  - 9 - Dasch
  - 10 - Sahl
  - 11 - Gunthert
  - 12 - Gonzalez
  - 13 - Shahar
  - 14 - Soffer
  - 15 - Gilboa-Shechtman
  - 16 - Raghavan
  - 17 - Berenbaum
  - 18 - Kwon

(دوزویس و بکس-درمات، ۲۰۰۰). به لحاظ نظری، بررسی این مسأله که افراد اجتماع مدار اطلاعات متناسب با سبک شخصیتی خود را چگونه ارزیابی و پردازش می کنند به ما در فهمیدن ارتباط قوی این سبک شخصیتی با افسردگی کمک می کند. چنین اطلاعاتی را می توان در جهت افزایش دانش موجود در حوزه پیشگیری به کار گرفت.

برخی شواهد از این فرضیه که حساسیت به طرد منجر به سوگیری در پردازش اطلاعات می شود حمایت می کنند. افراد حساس به طرد برانگیختگی زیادی در مواجهه با محرک های مرتبط با طرد نشان می دهند (داونی و همکاران، ۲۰۰۴) و موقعیت های اجتماعی مبهم را طردکننده تعبیر می کنند (داونی و فلدمن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶). به علاوه، کنترل توجه در مواجهه با نشانه های طرد نقش کلیدی در حساسیت به طرد ایفا می کند (آیدوک و جیوراک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸). بررسی ها نشان داده اند که منحرف کردن توجه از جنبه های برانگیزاننده یک تجربه طرد، احساس خصومت و خشم را کاهش می دهد (آیدوک، میشل<sup>۳</sup> و داونی، ۲۰۰۲). همچنین، توانایی فرد در کنترل توجه، ارتباط میان حساسیت به طرد و پیامدهای منفی مثل مشکلات بین فردی را تعدیل می کند (آیدوک و همکاران، ۲۰۰۰). طبق یافته های اخیر حاصل از تصویربرداری عصبی مشخص شده است افرادی که حساسیت به طرد پایینی دارند نسبت به افراد دارای حساسیت به طرد بالا هنگام پردازش محرک های مرتبط با طرد فعالیت بیشتری در نواحی مسئول کنترل شناختی نشان می دهند (کراس<sup>۴</sup>، اگنر<sup>۵</sup>، اوچسنر<sup>۶</sup> و داونی، ۲۰۰۷). در مجموع، یافته های موجود موجود بیانگر وجود ارتباط میان حساسیت به طرد و فرایندهای پردازش توجه می باشند و نشان می دهند که احتمالاً تنظیم توجه نقش مهمی در حساسیت به طرد ایفا می کند.

---

1- Feldman

2 - Gyurak

3 - Mischel

4 - Kross

5 - Egner

6 - Ochsner

انجام پژوهش حاضر نه تنها در حوزه پیشگیری بلکه در زمینه درمان نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. به عنوان مثال، در پژوهشی بوهایز<sup>۱</sup> و همکارانش (۱۹۹۹) به این نتیجه رسیدند زنان افسرده ای که نسبت به چهره های منتقل کننده هیجان منفی (مثل طرد، خشم، نفرت، ...) سوگیری دارند، پس از گذشت شش هفته از درمان بهبودی کمتری نشان می دهند. طبق یافته های این پژوهش گرایش به ادراک بیشتر هیجان منفی در چهره می تواند منجر به شدیدتر شدن افسردگی، به ویژه در میان زنان، گردد. بک (۱۹۸۳، کلارک و همکاران، ۱۹۹۹) نیز اعتقاد داشت در جریان درمان باید به خصیصه های اجتماع مداری و استقلال مداری توجه خاص نمود زیرا فرایند درمان و نحوه ارتباط با بیمار براساس سبک های شخصیتی فوق می تواند متفاوت باشد.

تاکنون مطالعات بسیار معدودی به بررسی تأثیر روش های اصلاح سوگیری شناختی (CBM) در افسردگی پرداخته اند. با این وجود، انجام چنین پژوهش هایی در این حوزه به چند دلیل دارای اهمیت است. نخست آنکه طبق یافته های حاصل از مطالعات اثربخشی درمان، ۷۲٪ از افراد افسرده پس از گذراندن دوره درمان مجدداً عود می کنند (برای مثال، کسلر<sup>۲</sup>، زاهو<sup>۳</sup>، بلیزر و شوارتز<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷). این امر می تواند بدین دلیل باشد که علیرغم به اتمام رساندن درمان، عوامل مربوط به آسیب پذیری شناختی تغییر نمی کنند. با توجه به مطالعات اخیر که نشان می دهند بیماران افسرده پس از بهبودی نیز نسبت به حالات چهره توجه انتخابی دارند (جوورمن<sup>۵</sup> و گاتلیب<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷)، سوگیری توجه را می توان به عنوان یک عامل آسیب پذیری شناختی پایدار در نظر گرفت (بائرت و همکاران، ۲۰۱۰). بنابراین، بررسی این مسأله که آیا روش های CBM برای از بین بردن این سوگیری ها کاربرد دارند یا خیر حائز اهمیت است. دوم آنکه، تاکنون یافته های قابل قبولی در زمینه اثربخشی برنامه های بازآموزی توجه در اختلالات

---

<sup>1</sup> - Bouhys

<sup>2</sup> - Kessler

<sup>3</sup> - Zaho

<sup>4</sup> - Blazer

<sup>5</sup> - Joormann

<sup>6</sup> - Gotlib